

آزادی



آزادی

روزی مزرعه داری قفسی را به بازار شهر برد، که در این قفس او چند جوجه کبوتر را که خودش تربیت کرده بود به همراه داشت، هر کبوتر با نخی به کبوتر دیگری وصل بود، و طوری تربیت شده بودند که بصورت رژه وار به دور یک دایره و بدون توقف می گشتند.

مزرعه دار کبوترهایش را به امید فروش به معرض نمایش گذاشت، یک ساعت گذشت، دو ساعت، یک روز و دو روز سپری شد ولی هیچکس بنظر مشتاق خرید کبوترها نبود. تا اینکه روزی شخصی آمده همه کبوترها را مزرعه دار خریده و به او گفت که آنها را آزاد کند، مزرعه دار با تعجب از او سوال می کند، بله، فرمودید چکار کنم؟

شخص خریدار می گوید، گفتم که آنها را آزاد کنید، پس مزرعه دار نخهای دور پای کبوتر را از پای آنها باز کرده و آنها را در هوا رها کرد، فکر میکنید چه اتفاقی افتاد؟

کبوترها پس از چند دقیقه و با فاصله چند قدم دورتر به روی زمین نشستند و شروع به رژه دایره وار خود کردند، بله، آزاد از بیرون ولی اسیر از درون. عیسی مسیح میفرماید اگر من شما را آزاد کنم در حقیقت

آزاد خواهید بود. اکثر انسانها فکر میکنند که آزادی یعنی اینکه، هر کاری که دلمان میخواهد انجام بدهیم و آن طور که دلمان می خواهد زندگی کنیم، اما آزادی در کلام خدا به معنای بی بند و باری نیست، و لازمه رسیدن به آزادی واقعی اطاعت از کلام خداست.

حقیقت اینست که من می توانم پشت پیانو نشسته و با کلیدهای آن آزادانه بازی کنم ولی آزاد نیستم که یکی از قطعات موسیقی باخ یا بتهون را بنوازم، چون لازمه آن، کار سخت و اطاعت از قوانین موسیقی و دنبال کردن نتهای موسیقی میباشد.

همین موضوع در مورد زندگی آزادانه نیز مصداق دارد یعنی اینکه اگر میخواهیم قدرت آزاد زیستن را بدست آوریم، باید در وحله اول قدرت اطاعت کردن و رمز تابع شدن و از خداوند را بیاموزیم.

کلام خدا به انسان وعده آزادی را می دهد، آزادی و رهایی از گناه و آزادی و رهایی برای زیستن برای خدا.

شاید تا امروز فکر میکردید که آزادی یعنی اجازه برنامه ریزی کردن زندگی خود آنطور که مایل هستیم و دلمان میخواهد، ولی در واقع رها و آزاد کسی است که عنان زندگی خود را به دست خداوند میسپارد، چون اوست تنها کسی که میتواند ما را از بندگی و اسارت و گره های روحی و شخصیتمان رها ساخته و با پاک کردن و بخشش گناهانمان ما را از درون آزاد سازد.

حقیقت ماجرا اینست که آزادی که ما همیشه بدنبالش بوده ایم، نوع آزادیی است که آن جوجه کبوترها نسبشان گردید، اسیر از درون و آزاد از بیرون. اما چه زیبا و پرشکوه است اگر کسی از درون آزاد گردد، آنوقت است که او آزادی واقعی را تجربه میکند. شاید کسی بگوید من که اسیر نیستم، آیا اسیر غرور، خودخواهی، کینه، نفرت، تلخی، گذشته، آینده، روح زخم شده و دلشکسته نیستید؟

خداوند ۲۰۰۰ سال پیش با فدیة کردن عیسی مسیح برای گناهان ما، وسیله رهایی ما از گذشته و از گناهان سنگینمان را مهیا کرد، او تنها کسی است که قادر است دل شکسته و دردمند انسان را شفا بدهد، او را از درون آزاد و احیا نماید. عیسی مسیح می فرماید: حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت.